



و غیر مستقیم داشته بحث کرده است .  
این سخن ادعای محض نیست ، کسانی که با  
قرآن مختصراً شنائی داشته باشند با وجدان  
سلیم جامعیت این کتاب آسمانی را لمس  
خواهند کرد . ما این بیان می خواهیم این  
مسئله را اثبات کنیم که اعجاز قرآن منحصر به  
سبک بعسد ( بلاغت ، فصاحت )  
نمی باشد ، اعجاز قرآن در ابعاد مختلف و  
جنبه های گوناگون متصور است .

بررسی دو آیه از آیات قرآن و جمع بندی این  
دو ، گفتار فوق را به اثبات می رساند . در آیه  
سوره ابراهیم می خوانیم :

”كُنَّا نَزَّلْنَاكَ لِيُخْرِجَ النَّاسَ  
”مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ  
”إِلَى صِرَاطٍ مُّبِينٍ“

قرآن کنایه است که بتوفیر ستادیم تا مردم را  
به امر خدا از ظلمات ( جهل و کفر ) بیرون آری و  
به عالم نوررسانی و برای خدای مقدر سنوده  
صفات رهسار گردانی .

و در آیه ۸۸ سوره اسراء می خوانیم :

”قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى  
”أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ  
”بِشَيْءٍ وَلَا يَكُونُوا لَهُمْ عَاقِبِينَ“

بگوای بسا مبرکه اگر جن و انس متفق شوند که  
مانند این قرآن کتابی بسا آورند هرگز نتوانند  
هرچند همه پشتیبان بگردند .

در این آیات انسانها ( حتی جن و موجودات  
مخفی ) در همه زمانها و مکانها ( جدوازه ) الناس  
بدلیل نوروهادی بودن قرآن منحصر به  
انسانهای عصر رسول الله نمی باشد ( برای  
آیه باقرآن و نشان دادن نظیر آن فراخوانده  
شده اند . انسانها با همان بزرگی ها و  
استعدادها و وقتها و احساسهای مختلف انهم  
در طول قرون و سالها متما دی .

ما ، اگر اعجاز قرآن را تنها در بعد فصاحت و  
بلاغت بدانیم ( همانا نظیر که کثیر مفسرین تصور  
کرده اند ) قرآن معجزه است ، اما نه برای همه ،  
بلکه برای عده ای خاص ، آنها که بلاغت را  
احساس می کنند و از فصاحت بهره ای دارند ،

در مقاله ، گذشته با جمال از ” اعجاز قرآن “  
سخن گفتیم ، هم اکنون با بیانی دیگر و تفصیلی  
بیشتر با ” ابعاد مختلف اعجاز قرآن “ آشنا  
می شویم . قبلاً جهت روشن شدن این مسئله  
ناچار از بیان مقدمه ای هستیم :

۱- می دانیم انسانها از نظر تفکر ، دوق ،  
احساس ، علاقه ها و دیگر تفاوت عمده و اساسی  
دارند و از این جهت در جستجوی کسالات و  
پاسداری از فنون مختلفه روشهای گوناگونی  
در پیش می گیرند . بر همین اساس می بینیم  
دستهای تمام هستی اش را در راه رسیدن به  
صفتهای مختلف پیروی می کنند ، وعده های با  
تحمل مشقات طاقت فرسا به تحصیل فلسفه و با  
دیگر علوم و معارف ما دی و معنوی می بردارند .  
این از یک طرف ، از طرف دیگر خود علوم هر یک  
به بخشهای گوناگون و انواع مختلف تقسیم  
می گردد بطوریکه بگردد به تنهایی قادر به  
تحقیق بر امور بخشهای گوناگون حتی یک  
علم نمی باشد . علم طب را می بینیم ، با اینکه  
یک علم است ، دارای بخشهای گوناگون چشم ،  
گوش و ... است . بدیهی است هیچگاه یک  
فرد نمی تواند نسبت به همه بخشهای علم طب  
تخصص کافی داشته باشد ، تنها با تحصیل  
رنگهای طاقت فرسا ممکن است نسبت به  
قسمتهایی از آن تخصص داشته و در حد امکان  
از زوایای آن اطلاعاتی بدست آورد .

۲- قرآن با اینکه کتاب نور ، هدایت ، و  
خروج از ظلمات به نور است ، کتابی است که  
از علوم و معارف زیادی سخن به میان آورده و در  
لابلای آیات از اصول اعتقادی گرفته تا فضائل  
اخلاقی و تا سیاست و قوانین انسان ساز و قصص  
و حکایات و همینطور رخدادهای آینده و از  
موجودات آسمانی و فلکیات و بالاخره آنچه در  
سعادت دنیوی و اخروی انسان دخالت مستقیم



در راه

# فُرْقَانٌ

(۲)

آیه الله فاضل لنکرانی

عضو جامعه مدرسین و

شورای مدیریت مدرسه فیضیه



بعکس، اگر اعجاز قرآن را در ابعا د مختلف و جهات گوناگون فرض کنیم قرآن معجزه است برای همه، نسلیها با دوقها و احساسها و تفکرهای مختلف و تخصصهای گوناگون.

ما معتقدیم با توجه به جامعیت قرآن و مختلف بودن استعداد، تفکر، ذوق، احساس و... انسانها اعجاز قرآن در زمینههای مختلف و جهات گوناگون است. چه در آیات یاد شده نحوه، مقابله و اینکه با چه نوع علم و فن خاصی مردم باید نظریه‌ها و زودنگر نشده و در آیات فوق هیچ نوع انصرافی به علم خاص و با فن و بزرگای اشاره‌ای نشده است.

اکنون اعجاز قرآن را در زمینه‌های مختلف

”رَبِّيْ عَذَابٌ يَّوْمٍ عَظِيْمٍ . قُلْ لَوْ شَاءَ -  
”اللّٰهُ مَا تَكُوْنَتُمْ عَلَیْكُمْ وَلَا اَنْزَلْنٰكُمْ بِهِ“  
”فَقَدْ لَبِثْتُ فِیْكُمْ عَمْرًا مِّنْ قَبْلِهِ“  
”اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ“ (۱)

و هرگاه آیات روشن ما بر خلق تلاوت شود منکران معاد که امیدوار به لقا، ما نیستند به رسول ما اعتراض کرده و گفته‌اند که قرآنی غیر از این هم بساورد. یا همین رابه قرآن دیگر مبدل ساز، ای رسول ما در پاسخ آنها بگو مرا ترسد که از پیش خود قرآن را تبدیل کنم، من اگر عصیان به پروردگار کنم از عذاب روز بزرگ قیامت سخت می‌ترسم. بگو ای رسول اگر خدای خواست هرگز بر شما تلاوت

در میان بهت و حسرت به بساوه سرائی می‌پردازند و عده‌ای می‌گویند پیامبران علوم را از روسایان فرا گرفته است، قرآن با پاسخ دندان شکن می‌فرماید:

”وَلَقَدْ عَلَّمْنٰهُمْ یَقُوْلُوْنَ اِنَّمَا یُعَلِّمُهُ بَشَرٌ“  
”لِیْسَانَ الَّذِیْ یُلٰجِدُوْنَ اِلَیْهِ اَعْجَبٰی وَّ“  
”هٰذَا لِسَانٌ عَرَبِیٌّ مُّبِیْنٌ“ (۲)

و ما می‌دانیم کافران می‌گویند آنکس که مطالب این قرآن رابه رسول می‌آموزد بشری است اعجمی غیر فصیح و این قرآن را خود به زبان عربی فصیح درآوردده.

و دستفای دیگری می‌گویند محمد این مطالب را از سلمان فارسی آموخته است، در حالیکه

**بگو ای پیامبر: اگر جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن کتابی بیاورند هرگز نتوانند هر چند همه پشتیبان یکدیگر باشند.**

**بگو ای پیامبر: مرا ترسد که از پیش خود قرآن را تبدیل کنم... من اگر عصیان به پروردگار کنم از عذاب روز بزرگ قیامت سخت می‌ترسم.**

**بگو ای پیامبر: اگر خدای خواست هرگز بر شما تلاوت این قرآن نمی‌کردم و شما را به احکام و حقایق آن آگاه نمی‌ساختم، من عمری از این پیش میان شما رستم، آیا تعقل نمی‌کنید؟**

پرسی می‌کنیم:

۱- شخصیت پیامبر

قرآن شخصیت رسول را معجزه می‌داند و انسانها را برای آوردن همانند آن دعوت به مقابله می‌کند، آنجا که می‌خوانیم:

”وَ اِذَا تَتْلٰی عَلَیْهِمْ اٰیٰتُنَا بَیِّنٰتٍ“  
”قَالَ الَّذِیْنَ لَا یَرْجُوْنَ لِقَانَنَا اِنَّتِ“  
”بِقُرْءٰنٍ غَیْرِ هٰذَا اَوْ سَدَّلَهُ قُلُوبُنَا یَكُوْنُ“  
”لِیِّنٍ اَنْ اَبْدَلَهُ مِنْ تِلْكَ نَفْسٍ اَنْ تَتَّبِعُ“  
”اَلَا مَا یُوحِی اِلَیَّ اِنِّیْ اَخَافُ اَنْ عَصِیْتُ“

این قرآن نمی‌کردم و شما را به احکام و حقایق آن آگاه نمی‌ساختم، من عمری از این پیش میان شما رستم، آیا تعقل نمی‌کنید؟

در این رابه قرآن باوازه، ”اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ“ انسانهایی را دعوت می‌کند در شخصیت رسول الله با قرآنی که آورده کمی بیندیشند و ببینند پیامبر که تا چهل سالگی بدون اینکه علمی بساورد و دانشی کسب نماید، و بسا حتی شعروثری به زبان جاری و با خطابه‌ای ابراد کند یکباره کتابی می‌آورد جامع همه معارف انسانی تا جایی که انسانهای عصر خود شگفت زده و بهت زده می‌شوند، ولی دشمنان

سلمان فارسی در مدینه به پیامبران آورده و بیشتر آیات قرآن قبلاً در مکه نازل شده بود.

ادامه دارد

۱- سوره نونس آیه ۱۵ و ۱۶

۲- سوره نحل آیه ۱۰۳

